

الگوی توزیع فضایی جمعیت در جنوب غربی دریای خزر (۱۴۰۰ - ۱۳۴۵)

نصرالله مولائی هاشجین* - دانشیار گروه جغرافیای انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت

پذیرش مقاله: ۸۲/۵/۸ تأیید نهایی: ۸۵/۲/۲۵

چکیده

بررسیها و مطالعات جغرافیایی جمعیت، به علت پرداختن به موضوع جمعیت با دید جغرافیایی، از اهمیت و جایگاه ویژه ای برخوردار است. جمعیتی که در کالبد فضایی فعالیتهای خود بررسی شده است، انعکاسهای آن در فضا و تاثیر پذیری فضایی، شیوه نگارش ویژه ای را به وجود آورده که در جغرافیای جمعیت مطرح است. با توجه به تنوع محیطی (جغرافیایی) و تاثیر گذاری آن بر توزیع فضایی جمعیت، در جنوب غربی دریای خزر و در بستر جغرافیایی آن از جلگه تا کوهپایه و کوهستان که به ترتیب از شرق به غرب قرار گرفته اند، توزیع جمعیت حالت یکنواخت و متجانس ندارد به طوری که قسمت شرقی آن متراکم تر از قسمت غربی می باشد. در این مقاله نگارنده با بهره گیری از نظریات، آمارها و اطلاعات، به بررسی الگوی فضایی زیست جمعیت در جنوب غربی دریای خزر که بر اساس آخرین تقسیمهای اداری کشور شهرستان های آستارا، تالش، رضوانشهر و ماسال را شامل می شود پرداخته و موضوعاتی نظیر؛ مشخصات محدوده مطالعه شده، شهر نشینی، روستا نشینی، کوچ نشینی و پیش بینی جمعیت در سال ۱۴۰۰ (هـ ش) را بررسی و در پایان ضمن ارائه الگوی زیست جمعیت به نتیجه گیری پرداخته است.

کلید واژه ها: الگوی زیست، جمعیت، توزیع فضایی، جنوب غربی، دریای خزر.

مقدمه

جمعیت به عنوان یکی از عناصر بنیادی در برنامه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی محسوب می شود. بر این اساس آگاهی از چند و چون جمعیت و شناخت ساختار، ابعاد و گستردگی فضایی آن از ابزارهای مهم تصمیم گیری و برنامه ریزی به شمار می رود (مهدوی، ۱۳۷۳، ۶۱).

بررسی الگوی فضایی زیست جمعیت در کشور نشان می دهد که جمعیت ایران از سه جامعه شهری، روستایی و عشایری تشکیل شده و به صورت یکسان و همگن در مقیاس سرزمینی پراکنده نشده اند بطوری که هر چه از شمال به جنوب و از غرب به مرکز و شرق ایران حرکت شود، از تراکم و انباشت جمعیت کاسته می شود. در این

*E-mail: nmolaeih@iaurasht.ac

صورت عوامل محیطی، اجتماعی، اقتصادی، جمعیتی و سیاستهای ملی در الگوی توزیع و تراکم جمعیت در سطح ملی و ناحیه ای موثر می باشند (جوان، ۱۳۸، ۹۱).

بر اساس نتایج بدست آمده، الگوی فضایی استقرار جمعیت در جنوب غربی دریای خزر روستایی - عشایری است؛ به طوری که حدود ۷۰/۵ درصد جمعیت در نقاط روستایی و استقرار گاههای عشایری و ۲۹/۵ درصد بقیه در نقاط شهری به سر می برند. علاوه بر هشت نقطه شهری ناحیه، اغلب روستاها در قسمت ساحلی و جلگه ای و استقرار گاههای عشایری در قسمت کوهپایه ای و کوهستانی توزیع شده اند. این مقاله شیوه، چگونگی و نحوه توزیع فضایی جمعیت این محدوده را بررسی کرده است. توزیع بهینه و متعادل جمعیت در هر ناحیه ای موجب استفاده مناسب و مطلوب از امکانات آن ناحیه خواهد شد (فرید، ۱۳۵۳، ۹).

با توجه به شرایط جغرافیایی حاکم بر جنوب غربی دریای خزر که از یک محدوده باریک ساحلی - جلگه ای و یک محدوده نسبتاً وسیع کوهپایه ای - کوهستانی تشکیل شده است، علی رغم سابقه زیاد سکونتی ارتفاعات (کوهپایه و کوهستان) در مقایسه با بخش ساحلی و جلگه ای به علت فراهم بودن شرایط بهره برداری از این بخش تعداد و تراکم جمعیت زیاد است بطوریکه تعداد و تراکم جمعیت از شرق به غرب کاهش پیدا می کند و غرب محدوده بیشتر به صورت فصلی و موسمی توسط کوچندگان عشایری، روستایی و شهری در فصل گرم سال اشغال می شوند.

سؤال اصلی تحقیق این است که " الگوی توزیع فضایی جمعیت در وضع موجود چگونه بوده و در سال ۱۴۰۰ ه. ش. چگونه خواهد بود؟"

بنابراین برای پاسخ به این سؤال اصلی چند هدف عمده باید مورد توجه قرار گیرد:

- آشنایی با تعداد و تحولات خانوار و جمعیت در جنوب غربی دریای خزر؛
- تعیین الگوی توزیع فضایی جمعیت در وضع موجود؛
- تعیین عوامل موثر در الگوی موجود توزیع فضایی جمعیت؛
- پیش بینی جمعیت ناحیه به تفکیک مناطق شهری، روستایی و عشایری در سال ۱۴۰۰ ه. ش؛
- تعیین الگوی توزیع فضایی جمعیت در سال ۱۴۰۰ ه. ش؛

با این اهداف چند موضوع مهم مطرح می شود. بنابراین می توان گفت فرضیه های این بررسی را تشکیل می دهند که در واقع با اثبات این مباحث به نظر می رسد الگوی فضایی جمعیت در ناحیه مورد نظر ارائه شده باشد که عبارتند از:

- توزیع خانوار و جمعیت در سطح ناحیه مطالعه شده متوازن نمی باشد؛
 - الگوی توزیع فضایی جمعیت در وضع موجود بترتیب روستایی - عشایری و شهری است؛
 - در سال ۱۴۰۰ ه. ش الگوی توزیع فضایی جمعیت بترتیب شهری و روستایی - عشایری خواهد بود؛
 - از شرق به غرب ناحیه از تعداد تراکم خانوار و جمعیت کاسته می شود؛
- اگر چه توزیع فضایی جمعیت و چگونگی آن در سالهای آینده تابع تاثیر گذاری عوامل مختلف جغرافیایی مانند ارتفاع و شیب، حاصلخیزی و وسعت خاک، منابع آب، برخورداری از پوشش گیاهی، عوامل فرهنگی،

اشتغال، فعالیت و نیروی انسانی، سرمایه گذاری در بخش های کشاورزی، صنعت و خدمات و مدیریت و سیاست گذاری های نظام حکومتی است (نظری، ۱۳۷۲، ۳۳-۳۱) برای رسیدن به الگوی مورد نظر نیاز است تا با لحاظ کردن موارد فوق از اطلاعات موجود استفاده شود.

به این منظور در ناحیه مطالعه شده که غرب استان گیلان و شهرستانهای آستارا، تالش، رضوانشهر و ماسال را شامل می شود ضمن بهره گیری از روش تحقیق توصیفی - تحلیلی برای گردآوری اطلاعات و منابع از روش اسنادی - کتابخانه ای در قالب آمار سرشماری های عمومی نفوس و مسکن سالهای ۱۳۴۵ تا ۱۳۷۵ و سالنامه های آماری استان گیلان و روش مطالعات میدانی در قالب مشاهده، مصاحبه و نیز تکمیل پرسشنامه خانوارهای شهری، روستایی و عشایری در سطح ناحیه (مولائی هاشجین، ۱۳۷۶ و ۱۳۷۸).^(۱) مطالعه و بررسی شده است.

مشخصات ناحیه مطالعه شده

ناحیه مطالعه شده در جنوب غربی دریای خزر شامل بر شهرستانهای آستارا، تالش، رضوانشهر و ماسال در شمال غرب و بخشی از غرب گیلان است که بین 48° درجه و $35'$ دقیقه تا 49° درجه و $14'$ دقیقه طول جغرافیایی شرقی و 37° درجه و $15'$ دقیقه تا 38° درجه و $27'$ دقیقه عرض جغرافیایی شمالی (سازمان مدیریت و برنامه ریزی، ۱۳۷۸، ۶۱-۷) واقع شده و $3839/6$ کیلومترمربع (سازمان مدیریت و برنامه ریزی، ۱۳۸۳، ۵۱) وسعت دارد. که این ناحیه $26/1$ درصد از وسعت استان گیلان را در بر می گیرد.

این ناحیه از شمال به جمهوری آذربایجان، از غرب به استان اردبیل (شهرستانهای نمین، اردبیل، کوثر و خلخال)، از جنوب به شهرستانهای فومن، صومعه سرا و بندر انزلی و از شرق به دریای خزر محدود است. همسایگی با جمهوری آذربایجان و ارتباط استان اردبیل با مرکز کشور از طریق این ناحیه، دسترسی به دریا و برخورداری از مواهب خدادادی دریا، جلگه، کوهپایه و کوهستان موقعیت ویژه ای را به این ناحیه بخشیده است که در برنامه ریزیها می باید به ظرفیتهای آن توجه شود.

بر اساس آخرین تقسیمهای اداری، ناحیه مطالعه شده مشتمل بر ۴ شهرستان، ۸ بخش، ۱۹ دهستان، ۸ نقطه شهری و ۶۵۹ نقطه روستایی (۵۷۳ آبادی دارای سکنه و ۸۶ آبادی خالی از سکنه) بوده است (سازمان مدیریت و برنامه ریزی، ۱۳۸۳، ۵۱-۸۳) (جدول ۱ و شکل های ۱ و ۲).

براساس مطالعات میدانی $49/8$ درصد از سکونتگاههای این ناحیه دارای موقعیت ساحلی - جلگه ای و $50/2$ درصد بقیه از موقعیت کوهپایه ای - کوهستانی برخوردار می باشند. اغلب جمعیت روستایی و تمامی نقاط شهری ناحیه در قسمت ساحلی - جلگه ای استقرار یافته اند.

(۱) انتشار نه مقاله علمی - پژوهشی در مجلات معتبر داخلی، اجرای دو طرح درون دانشگاهی و پنج طرح هادی روستایی برون دانشگاهی در

از نظر توپوگرافی، ناحیه مطالعه شده از دو قسمت متفاوت تشکیل شده است. قسمت شرق آن ساحلی و جلگه ای و قسمت غربی آن پایکوهی و کوهستانی است.

جدول ۱: تقسیمهای اداری جنوب غربی دریای خزر به تفکیک شهرستان

شرح	مساحت (کیلومتر مربع)	تعداد نقاط شهری ^(۱)	تعداد بخش	تعداد دهستان	تعداد آبادی		
					جمع	دارای سکنه	خالی از سکنه
استان گیلان	۱۴۷۱۱	۴۵	۴۰	۱۰۶	۲۸۹۲	۲۶۹۰	۲۰۲
جنوب غربی دریای خزر	۳۸۳۹/۶	۸	۸	۱۹	۳۹۵	۵۷۳	۸۶
شهرستان آستارا	۳۳۴	۱	۱	۳	۴۹	۷۱	۱۲
شهرستان تالش	۲۲۱۵/۶	۳	۳	۸	۲۰۷	۳/۸	۵۰
شهرستان رضوانشهر	۸۰۴	۲	۲	۴	۷۰	۹۸	۱۲
شهرستان ماسال	۴۸۶	۲	۲	۴	۶۹	۸۶	۱۲

مأخذ - استخراج از آمارنامه استان گیلان ۱۳۸۲ - (۱۳۸۳) - سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان گیلان، سالهای ۵۱، ۵۳، ۶۱، ۶۵ و ۸۳

هر چه از شرق ناحیه به غرب حرکت شود، بر ارتفاع منطقه افزوده می شود. حداکثر ارتفاع در خط الرأس ارتفاعات تالش است که به شهرستانهای نمین، اردبیل، کوثر و خلخال محدود می شود. اقلیم مرطوب و معتدل نیمه مرطوب سرد به ترتیب در شرق و غرب ناحیه، جریان رودخانه های متعدد از غرب به شرق که به دریای خزر می ریزند، خاکهای حاصلخیز جلگه ای در شرق و کوهپایه ای و کوهستانی کم عمق در غرب، پوشش گیاهی جنگلی و مراتع غنی، فعالیت غالب کشاورزی از شرق به غرب ناحیه به ترتیب با صید و صیادی (ماهیگیری)، زراعت برنج، باغداری، زنبور داری و دامداری و نیز زبان ترکی آذری، تالشی و مذاهب شیعه و سنی شافعی در سطح ناحیه از ویژگیهای عمده ناحیه مطالعه شده به شمار می روند.

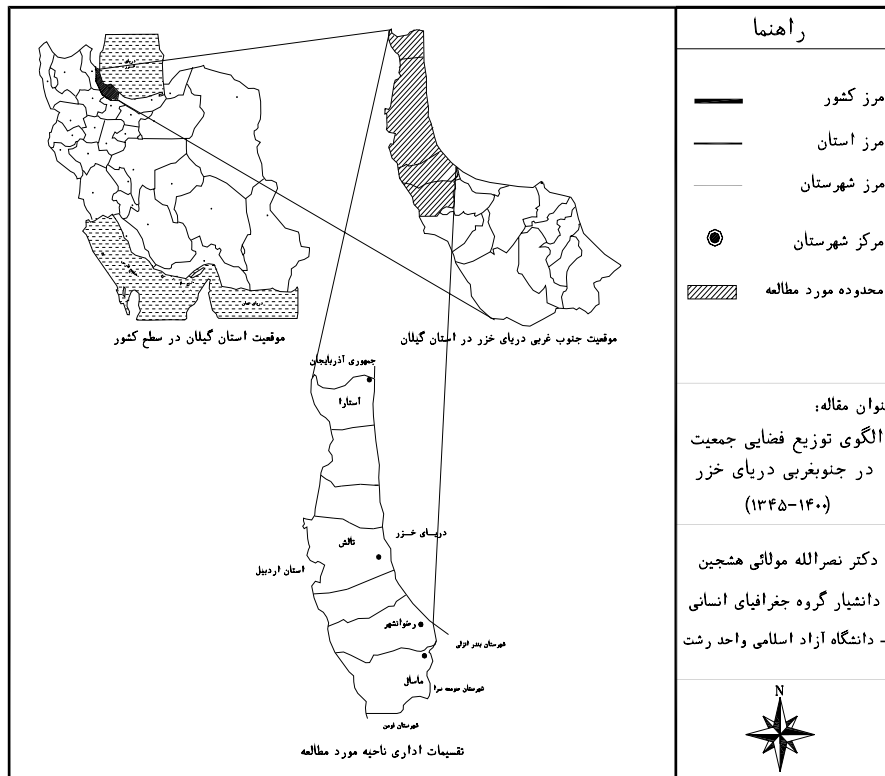
تعداد و بعد خانوار

بررسی آمار تعداد خانوارهای ناحیه مطالعه شده نشان می دهد که تعداد خانوار از سال ۱۳۴۵ - ۱۳۷۵ در سطح کل ناحیه و شهرستانهای تابع آن افزایش یافته است؛ به طوری که از ۲۷۹۳۷ خانوار در سال ۱۳۴۵ به ۶۵۴۸۳ خانوار در سال ۱۳۷۵ (۲/۳۴ برابر) افزایش یافته است بعد خانوار در سطح ناحیه و شهرستانها با کاهش مواجه بوده است. تبدیل خانوارهای گسترده به هسته ای از دلایل عمده به شمار می رود.

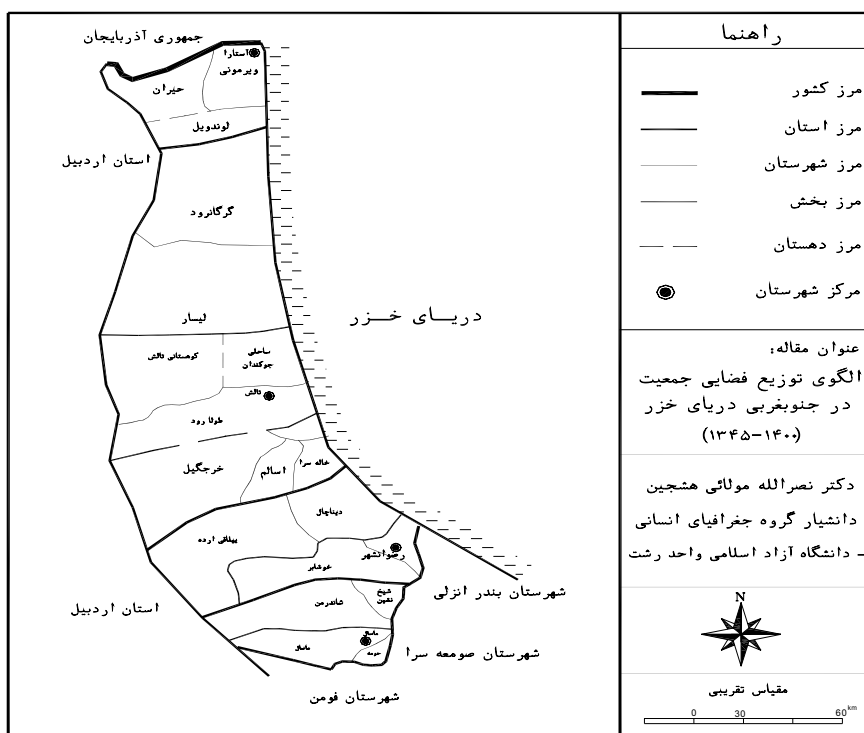
توزیع تعداد خانوار در مناطق شهری و روستایی بیانگر این است که علی رغم افزایش تعداد خانوار در کل ناحیه، تغییرات آن در مناطق شهری و روستایی ناحیه، روند ثابت و همگونی نداشته است به طوری که تعداد

(۱) به استناد تصویب نامه شماره ۵۴۵۳ ات ۲۱۱۶۲ و مورخ ۱۳۷۸/۲/۱۳ هیئت وزیران روستاهای بازار جمعه (شهرستان ماسال)، گوراب زرمیخ (شهرستان صومعه سرا)، دیلمان (شهرستان سیاکل)، بره سر (شهرستان رودبار)، احمد سر گوراب (شهرستان شفت)، لیسار و ناورود - اسالم (شهرستان تالش)، رودبنه (شهرستان لاهیجان) و اطاقور (شهرستان لنگرود) تبدیل به نقطه شهری شده اند. مأخذ - سالنامه آماری استان گیلان ۱۳۸۲ (۱۳۸۳) سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان گیلان، ۲۸.

خانوار در نقاط شهری جنوب غربی دریای خزر ۶/۳ برابر و در نقاط روستایی فقط ۱/۸ برابر افزایش یافته است. تبدیل برخی از نقاط روستایی ناحیه به نقطه شهری، مهاجر پذیری شهرها، مهاجرت از نقاط روستایی به نقاط شهری از داخل وخارج از ناحیه در فاصله سالهای ۱۳۴۵ - ۱۳۷۵ موجب افزایش بیشتر تعداد و سهم خانوار شهری و کاهش سهم خانوار روستایی شده است (جدولهای ۲ و ۳).



شکل ۱: جایگاه محدوده مطالعه شده در تقسیمات اداری



شکل ۲: تقسیمات اداری محدوده مطالعه شده

تعداد و توزیع جمعیت

تعداد جمعیت نیز مانند تعداد خانوار در فاصله سالهای ۱۳۴۵ - ۱۳۷۵ با نرخهای متفاوتی افزایش پیدا کرده است. بررسی تغییرات جمعیت در ناحیه و شهرستانهای آستارا، تالش، رضوانشهر و ماسال نشان می دهد که نقاط روستایی به جهت تعداد زیاد جمعیت پایه آنها (جمعیت سال ۱۳۴۵) در مقایسه با نقاط شهری تعداد بیشتری از کل تغییرات جمعیت را به خود اختصاص داده اند ولی از نظر درصد تغییرات در جمعیت، مناطق شهری خیلی بیشتر از نقاط روستایی بوده است تا جائیکه در فاصله سالهای مذکور سهم جمعیت شهری از کل جمعیت افزایش یافته و در مقابل سهم جمعیت روستایی کاهش یافته است.

جمعیت ناحیه مطالعه شده از ۱۵۰۱۶۷ نفر در سال ۱۳۴۵ به ۳۲۵۶۷۴ نفر در سال ۱۳۷۵ افزایش یافته و سالیانه به

طور متوسط تعداد ۵۸۵۰ نفر به جمعیت ناحیه افزوده شده است (جدولهای ۲ و ۳).

جدول ۲: تعداد خانوار، جمعیت و بعد خانوار در جنوب غربی دریای خزر، ۸۰-۱۳۴۵

شهرستان	شهرستان	شهرستان	شهرستان	جنوب غربی	مناطق	سال	
ماسال	رضوانشهر	تالش ^(۱)	آستارا	دریای خزر	شرح		
-	-	۲۲۶۰۸	۵۳۲۸	۲۷۹۳۷	تعداد خانوار	۱۳۴۵	
-	-	۱۲۲۴۲۳	۲۹۱۷۳	۱۵۰۱۶۷	تعداد(نفر)		جمعیت
-	-	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	درصد		
-	-	۵/۴	۵/۵	۵/۴	بعد خانوار		
-	-	۲۸۱۸۳	۶۶۳۲	۳۴۸۱۵	تعداد خانوار	۱۳۵۵	
-	-	۱۴۷۵۱۸	۳۵۹۴۵	۱۹۳۴۶۳	تعداد(نفر)		جمعیت
-	-	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	درصد		
-	-	۵/۲	۵/۴	۵/۶	بعد خانوار		
۸۲۴۰	۹۰۲۴	۲۳۰۹۵	۱۰۱۹۶	۵۰۵۵۵	تعداد خانوار	۱۳۶۵	
۴۴۸۱۹	۵۱۰۹۰	۱۳۲۹۵۴	۵۳۳۴۰	۲۸۲۲۰۳	تعداد(نفر)		جمعیت
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	درصد		
۵/۴	۵/۷	۵/۸	۵/۲	۵/۶	بعد خانوار		
۹۷۱۳	۱۲۰۷۸	۳۰۱۹۶	۱۳۴۹۶	۶۵۴۸۳	تعداد خانوار	۱۳۷۵	
۴۶۵۷۲	۶۰۰۶۴	۱۵۵۷۸۴	۶۳۲۵۴	۳۲۵۶۷۴	تعداد(نفر)		جمعیت
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	درصد		
۴/۸	۵/۰	۵/۲	۴/۷	۵/۰	بعد خانوار		

مأخذ: استخراج از نتایج سرشماریهای عمومی نفوس و مسکن سالهای ۷۵-۱۳۴۵، مرکز آمار ایران و سیمای اقتصادی - اجتماعی

شهرستانهای آستارا، تالش، رضوانشهر و ماسال ۱۳۷۷، سازمان برنامه و بودجه استان گیلان

الگوی توزیع فضایی جمعیت

شهرنشینی

تعداد جمعیت شهری ناحیه از ۱۶۴۱۴ نفر در سال ۱۳۴۵ به ۹۵۹۰۰ نفر در سال ۱۳۷۵ رسیده است. افزایش تعداد نقاط شهری از دو نقطه به پنج نقطه، مهاجرت از روستاهای ناحیه به نقاط شهری، ادغام روستاها در نقاط شهری و نیز رشد طبیعی، سهم جمعیت شهری از کل جمعیت ناحیه از ۱۰/۸ درصد به ۲۹/۴۵ درصد افزایش یافته است. به طور متوسط سالیانه تعداد ۲۶۵۰ نفر به جمعیت شهری افزوده شده است.

درصد جمعیت شهری در شهرستان آستارا به علت تعداد اندک نقاط روستایی شهرستان و تمرکز جمعیت در مرکز شهرستان در فاصله سالهای ۱۳۴۵ - ۱۳۷۵ بیشتر از متوسط ناحیه و در شهرستانهای تالش و رضوانشهر پایینتر از متوسط ناحیه و در شهرستان ماسال نیز بالاتر بوده است (جدول ۳).

(۱) شهرستانهای جدید التاسیس رضوانشهر و ماسال در سرشماری سالهای ۱۳۴۵، ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ به عنوان بخش، جزء شهرستان تالش محسوب شده اند که به دلیل عدم تفکیک و بازسازی آنها در سالهای ۱۳۴۵ و ۱۳۵۵ در قالب شهرستانهای تالش آورده شده است.

روستا نشینی

ناحیه مطالعه شده از نظر استقرار جمعیت چهره کاملاً روستایی دارد. سهم جمعیت روستایی در فاصله سالهای ۱۳۴۵ - ۱۳۷۵ همواره کاهش یافته و از ۸۹/۲ درصد در سال ۱۳۴۵ به ۷۰/۵ درصد در سال ۱۳۷۵ رسیده است. در تمامی شهرستانهای ناحیه علیرغم افزایش زیاد جمعیت شهری و افزایش سهم آن، الگوی حاکم همچنان روستایی است که در سال ۱۳۷۵ از ۵۱/۵ درصد در شهرستان آستارا تا ۷۸/۴ درصد در شهرستان تالش متغیر بوده است. مهاجرت از نقاط روستایی به نقاط شهری، تبدیل برخی از نقاط روستایی به نقاط شهری که در فاصله سالهای ۱۳۴۵ - ۱۳۷۵ سه نقطه روستایی شامل پره سر، رضوانشهر و ماسال به نقطه شهری تبدیل شده اند و در سالهای اخیر نیز چند نقطه دیگر مشتمل بر لیسار، ناورود (اسالم)، حویق، چوبر، لوندویل و بازار جمعه (شاندرمن) به نقطه شهری تبدیل شده اند. ولی حدود آنها مشخص نشده و تا سال ۱۳۸۱ جمعیت آنها در آمار روستایی گنجانده شده است، از علل عمده کاهش درصد جمعیت روستایی ناحیه به شمار می رود.

مقایسه تعداد و درصد جمعیت روستایی ناحیه در سطوح شهرستانی در فاصله سالهای ۱۳۴۵ - ۱۳۷۵ نشان می دهد که توزیع جمعیت در شهرستانهای ناحیه نامتعادل است؛ به طوری که بیشترین تعداد و درصد جمعیت روستایی از آن شهرستان تالش (۲۲۱۴۴ نفر و ۷۸/۴ درصد) و کمترین تعداد جمعیت روستایی مربوط به شهرستان ماسال (۳۰۸۷۰ نفر) و کمترین درصد جمعیت روستایی با ۵۱/۵ درصد از آن شهرستان آستارا بوده است (جدول ۳ و شکل ۲).

با توجه به تفاوت شرایط محیطی در شرق و غرب ناحیه مطالعه شده دهستانهای غربی ناحیه بویژه دهستانهای حیران (شهرستان آستارا)، کوهستانی تالش (شهرستان تالش) و بیلاقی ارده (شهرستان رضوانشهر) کمترین میزان جمعیت را در خود جای داده اند. در مقابل دهستانهای گرگانرود، لیسار و اسالم (شهرستان تالش) و شاندرمن (شهرستان ماسال) در شرق ناحیه با موقعیت جلگه ای و کوهپایه ای و امکانات مناسب از نظر جذب جمعیت، بیشترین تعداد جمعیت را به خود اختصاص داده اند.

جدول ۳: تعداد خانوار، جمعیت و بعد خانوار در جنوب غربی دریای خزر بر حسب مناطق شهری و روستایی ۱۳۴۵ - ۱۳۷۵

سال	شرح مناطق	جنوب غربی دریای خزر		شهرستان آستارا		شهرستان تالش ^(۱)		شهرستان رضوانشهر		شهرستان ماسال	
		روستایی	شهری	روستایی	شهری	روستایی	شهری	روستایی	شهری	روستایی	شهری
۱۳۴۵	تعداد خانوار	۳۲۹۸	۲۴۶۳۹	۲۰۸۱	۳۲۴۷	۱۲۱۷	۲۱۳۹۱	-	-	-	-
	جمعیت	۱۶۴۱۴	۱۳۳۷۵۳	۱۰۵۳۷	۱۸۶۳۶	۵۸۷۷	۱۱۶۵۴۶	-	-	-	-
	درصد	۱۰/۸	۸۹/۲	۳۷/۵	۶۲/۵	۴/۹	۹۵/۱	-	-	-	-
۱۳۵۵	تعداد خانوار	۶۴۲۹	۲۸۳۸۶	۲۷۷۷	۳۸۵۵	۳۶۵۲	۲۴۵۳۱	-	-	-	-
	جمعیت	۳۲۸۷۵	۱۶۰۵۸۸	۱۴۱۵۰	۲۱۷۹۵	۱۸۷۲۵	۱۲۸۷۹۳	-	-	-	-
	درصد	۱۷/۰	۸۳/۰	۳۹/۴	۶۰/۴	۱۱/۹	۸۸/۱	-	-	-	-
۱۳۶۵	تعداد خانوار	۵/۱	۵/۷	۵/۱	۵/۷	۵/۱	۵/۳	-	-	-	-
	جمعیت	۱۴۲۵۳	۳۸۲۴۸	۵۰۶۱	۷۰۸۱	۴۵۹۴	۱۸۵۰۱	۲۴۳۸	۲۴۳۸	۲۴۳۸	۲۴۳۸
	درصد	۲۵/۷۵	۷۴/۲۵	۴۵/۵	۵۴/۵	۱۸/۲	۸۱/۸	۷۷/۳	۱۲۶۱۹	۱۲۶۱۹	۱۲۶۱۹
۱۳۷۵	تعداد خانوار	۲۰۷۵۹	۴۴۷۲۴	۷۰۱۸	۶۴۷۸	۶۹۱۰	۲۳۲۸۶	۳۳۷۳	۳۳۷۳	۳۳۷۳	۳۳۷۳
	جمعیت	۹۵۹۰۰	۲۲۹۷۷۴	۳۰۶۶۶	۳۲۵۸۸	۳۳۶۴۰	۱۲۲۱۴۴	۱۵۸۹۲	۱۵۸۹۲	۱۵۸۹۲	
	درصد	۲۹/۵	۷۰/۵	۴۸/۵	۵۱/۵	۲۱/۶	۷۸/۴	۲۶/۵	۷۳/۵	۳۳/۷	۳۳/۷
	بعد خانوار	۴/۶	۵/۱	۴/۴	۵/۰	۴/۹	۵/۳	۴/۷	۵/۱	۴/۵	۴/۹

مأخذ: استخراج از نتایج سرشماری های عمومی نفوس و مسکن سالهای ۷۵-۱۳۴۵، مرکز آمار ایران و سیمای اقتصادی - اجتماعی شهرستانهای آستارا، تالش، رضوانشهر و ماسال ۱۳۷۷، سازمان برنامه و بودجه استان گیلان.

کوچ نشینی

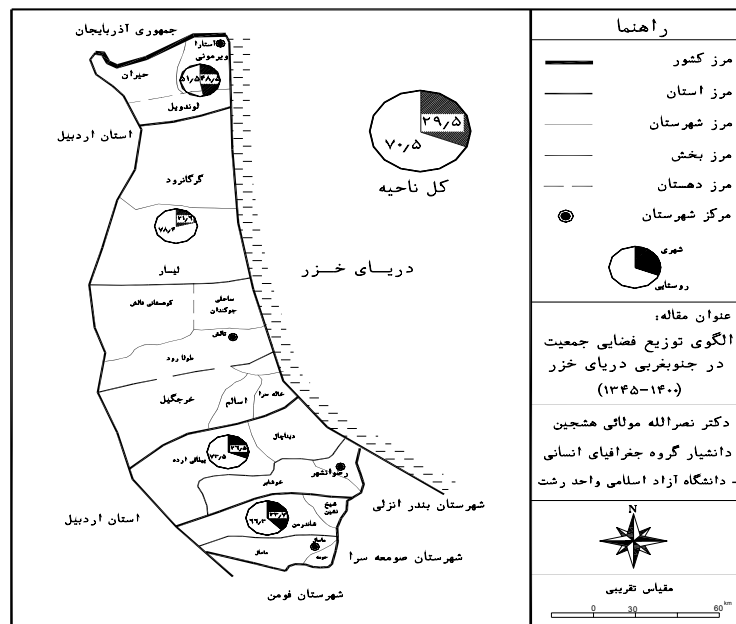
به جهت کوهستانی بودن غرب ناحیه و برخورداری از مراتع غنی در فصل گرم سال از یکطرف و گرمای طاقت فرسای شرق ناحیه و عدم امکان تعلیف دامها در پایین دست از طرف دیگر و نیز عادت جلگه نشینان به اقامت در ارتفاعات به سابقه زیاد سکونت گزینی درمقایسه با بخش شرقی ناحیه ارتباط بین جلگه و کوهستان به دو شکل صورت می گیرد،

الف - کوچ کشاورزان بالاخص برنجکاران که معمولاً از اواخر خرداد ماه آغاز می شود و ییلاق آنها در ارتفاعات متوسط (میان بند) می باشد، برای برداشت برنج در نیمه مرداد ماه به محل استقرار دائمی خود مراجعت می کنند و اغلب از راههای ماشین رو استفاده می کنند.

ب - کوچ دامداران که در غالب نیمه نومادیزم و ترانسهماننس (رمه گردانی) بدون پرداختن به فعالیتهای زراعی در محدوده قشلاقی، میان بند و ییلاق صورت می گیرد (بازن، ۱۳۶۷، ۳۵۵ - ۳۶۰).

(۱) شهرستانهای جدید التاسیس رضوانشهر و ماسال در سرشماری سالهای ۱۳۴۵ و ۱۳۵۵ بصورت بخش، جزء شهرستان تالش بوده و آمارهای آنها در آمار شهرستانهای تالش در سالهای مذکور آورده شده است.

با توجه به تعریف عشایر کوچ کننده و بر اساس مطالعات میدانی نگارنده در سراسر ناحیه ارتباط بین جلگه و کوهپایه از نوع اول و جلگه، کوهپایه و کوهستان از نوع دوم است. به این مفهوم که در نوع اول کشاورزان و یا برنجکاران دامدار که اغلب نیز دارای دام بزرگ می باشند، حداکثر در محدوده یازداق (میان بند) استقرار می یابند، در حالیکه در نوع دوم به طور منظم هر سال و در زمان خاص، در قلمرو ایلی مشتمل بر قشلاق، یازداق (میان بند) و ییلاق استقرار پیدا می کنند. به عنوان نمونه در بخش اسالم از شهرستان تالش بر اساس مطالعات نگارنده ۲۳/۵ درصد از خانوارهایی که در کوچ به سر می برند نیمه کوچ نشین و ترانسهمانوس و بقیه کشاورز دامدار، کشاورز فاقد دام و نیز خوش نشین بوده اند. با قبول متوسط درصد خانوارهایی که دامدار بوده و در کوچ شرکت می کنند از کل خانوارهای روستایی ناحیه مطالعه شده و در سطح شهرستانهای چهارگانه حدود ۲۵۰۰ خانوار و ۱۲۵۰۰ نفر در کوچ به سر می برند که در برنامه ریزیها می باید به آنها توجه کرد. در تعاریف به عمل آمده در سرشماری های سراسری عشایر کوچنده کشور در سالهای ۱۳۶۶ و ۱۳۷۷ تنها بخش بسیار کوچکی از عشایر ناحیه به عنوان عشایر کوچ کننده سر شماری شده است. در سال ۱۳۶۶ سه طایفه مستقل و در سال ۱۳۷۷ چهار طایفه مستقل در شهرستان تالش شناسایی شده است (جدول ۴ و شکل ۳).



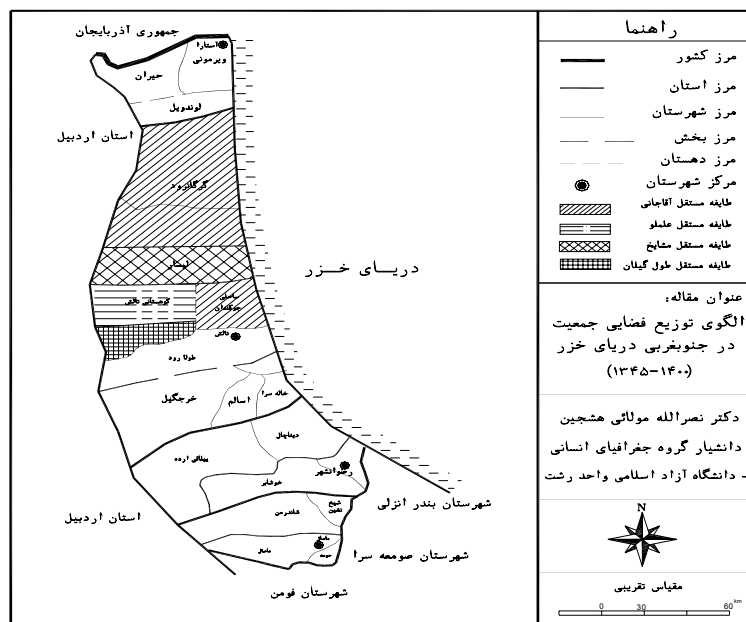
شکل ۳: توزیع درصد جمعیت شهری و روستایی در جنوب غربی دریای خزر بر حسب شهرستان ۱۳۷۵

جدول ۴: جمعیت عشایر کوچ کننده جنوب غربی دریای خزر (۱۳۶۶ - ۱۳۷۷)

۱۳۷۷				شرح	۱۳۶۶				شرح
عشایر قشلاقی		عشایر ییلاقی			عشایر قشلاقی		عشایر ییلاقی		
جمعیت	خانوار	جمعیت	خانوار		جمعیت	خانوار	جمعیت	خانوار	
۲۲۳۷	۳۴۲	۲۲۳۷	۳۴۲	شهرستان تالش	۲۶۴۹	۳۷۶	۲۶۶۰	۳۷۸	شهرستان تالش
۱۶۶۰	۲۵۴	۱۷۸۱	۲۷۵	بخش گرگانرود	۲۶۴۹	۳۷۶	۲۶۶۰	۳۷۸	بخش گرگانرود
۲۶۲	۴۰	۶۴	۱۱	دهستان گرگانرود	۲۰۶۶	۳۰۴	۲۰۷۷	۳۰۶	دهستان گرگانرود
۱۳۹۸	۲۱۴	۱۷۱۷	۲۶۴	دهستان بهسار	۵۸۳	۷۲	۵۸۳	۷۲	دهستان لیسار
۵۷۷	۸۸	۴۵۶	۶۷	بخش مرکزی	-	-	-	-	-
۷۶	۱۵	-	-	دهستان ساحل جوکندان	-	-	-	-	-
۴۵۶	۶۷	۴۵۶	۶۷	دهستان کوهستانی تالش	-	-	-	-	-
۴۵	۶	-	-	شهر هشپر	-	-	-	-	-

مآخذ: مرکز آمار ایران - ۱۳۶۸ - جمعیت عشایری دهستانها، سرشماری اجتماعی و اقتصادی عشایر کوچنده سراسر کشور ۱۳۶۶، ۱۳۷۸ و مرکز آمار ایران، ۱۳۷۸، جمعیت عشایری دهستانها، سرشماری اجتماعی و اقتصادی عشایر کوچنده سراسر کشور ۱۳۷۷، ۱۴۶.

تعداد خانوار و جمعیت عشایر کوچ کننده ناحیه در فاصله سالهای ۱۳۶۶ - ۱۳۷۷ کاهش یافته است، به طوری که تعداد خانوار و جمعیت عشایری به ترتیب حدود ۱۰ و ۱۶ درصد تقلیل داشته است. هر چند تعداد طوایف مستقل و قلمرو پراکنش جغرافیایی در سال ۱۳۷۷ نسبت به سال ۱۳۶۶ بیشتر شده است. در سال ۱۳۶۶ سه طایفه مستقل علملو، آقاجانی و مشایخ در دهستانهای گرگانرود و لیسار و در سال ۱۳۷۷ چهار طایفه علملو، آقاجانی، مشایخ و طول گیلان در دهستانهای گرگانرود، لیسار، ساحلیجوکندان، کوهستانی تالش و شهر تالش پراکنده شده بودند. طایفه مستقل آقاجانی در هر سرشماری بیشترین تعداد خانوار و جمعیت و طایفه مشایخ در سال ۱۳۶۶ و طول گیلان در سال ۱۳۷۷ کمترین تعداد خانوار و جمعیت را در بین طوایف مستقل ناحیه مطالعه شده از آن خود کرده است. (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۸، ۷۸ و ۱۴۶).



شکل ۴: پراکنش جغرافیایی عشایر کوچنده در جنوب غربی دریای خزر بر حسب طایفه مستقل ۱۳۷۷ ه.ش.

عوامل موثر در الگوی توزیع فضایی جمعیت

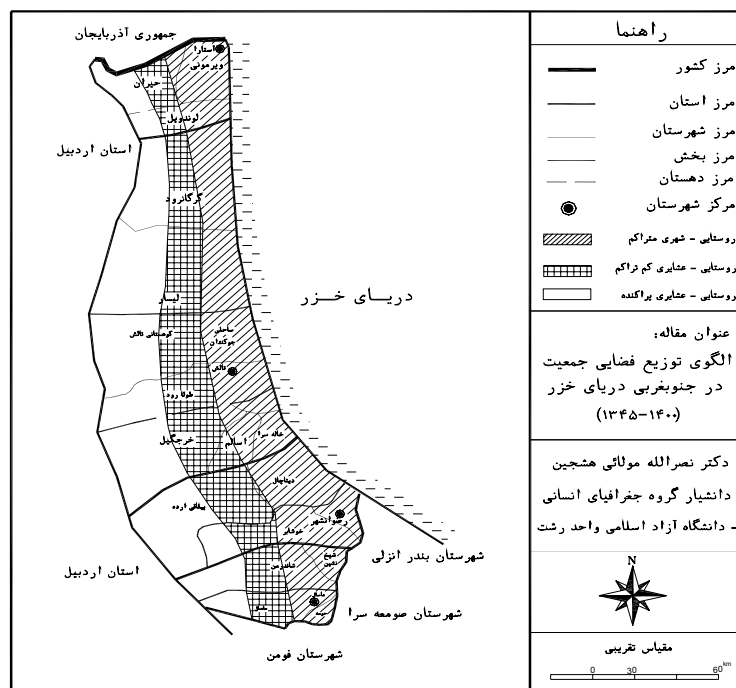
با توجه به تاثیر عواملی چون موقعیت جغرافیایی، توپوگرافی، اقلیم، منابع آب، خاک و درجه حاصلخیزی آن، پوشش گیاهی، معادن (عوامل محیطی)، عوامل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی در توزیع فضایی جمعیت (فلمن و دیگران، ۱۹۹۰، ۱۱۹) اعم از جمعیت شهری، روستایی و عشایری، بررسیها نشان می دهد که جمعیت در جنوب غربی دریای خزر بصورت ناهماهنگ در شهرستانها، بخشها، دهستانها، شهرها و روستاها توزیع شده است. در مقیاس ناحیه ای قسمت شرقی محدوده مطالعه شده با موقعیت جلگه ای و ساحلی ضمن برخورداری از تعداد زیادی روستا در مقایسه با قسمت غربی و تمرکز کلیه نقاط شهری در آن از انباشت و تراکم بالای جمعیت برخوردار است؛ به طوری که هرچه از شرق به غرب ناحیه حرکت می شود، با افزایش ارتفاع از تعداد سکونتگاههای روستایی کاسته شده و در محدوده جنگلهای متراکم به صفر می رسد با توجه به مطالب فوق، عوامل موثر در توزیع فضایی و الگوی زیست جمعیت در جنوب غربی دریای خزر عبارتند از:

الف - امکانات و شرایط محیطی: به این مفهوم که موقعیت کوهستانی و جنگلی در غرب ناحیه که بیشتر به عنوان قلمرو بیلاقی مورد استفاده قرار می گیرد و سکونتگاههای دائمی کمتر در آن به چشم می خورد موجب شده که تعداد و فشردگی جمعیت در غرب ناحیه که منطبق با شرق ارتفاعات تالش است کم باشد و در عوض، در امتداد رودخانه های دائمی و در شرق ناحیه، اراضی پست و حاصلخیز موجب شکل گیری کلیه نقاط شهری

سکونتگاههای روستایی شده و بیشترین میزان انباشت و فشردگی جمعیت در این قسمت است. البته در فصل گرم و بطور موقت از اواسط بهار تا اواخر تابستان کوه نشینان و کوچ نشینان غرب گیلان در بخش غربی ناحیه جهت استفاده از مراتع، گذران اوقات فراغت، فرار از گرمای جلگه و عادت به جابجایی استقرار می یابند (مهدوی، ۱۳۷۳، ۴۰-۳۹).

ب- برخورداری از امکانات و فعالیتهای اقتصادی از جمله کشاورزی، صنعت و خدمات: که در قسمت شرقی ناحیه موجب استقرار نقاط شهری و روستاهای پرجمعیت گشته و این قسمت، جمعیت زیادی را در مقایسه با قسمت غربی در خود جای داده است.

وجود اراضی حاصلخیز در قسمت جلگه ای که بصورت باریکه ای از شمال تا جنوب ناحیه امتداد یافته است و برای زراعت برنج، باغات میوه و دامداری مورد بهره برداری قرار می گیرد، توانهای صنعتی بویژه صنایع چوب و کاغذ ایران (چوکا)، چوب بری اسالم، واحدهای خصوصی چوب بری و تهیه لوازم چوبی در ناحیه موجب رونق فعالیت اقتصادی و نهایت تمرکز و جذب جمعیت در قسمت شرقی ناحیه شده است (مولائی هاشجین، ۱۳۷۶، ۶۷-۶۵).



شکل ۵: الگوی توزیع فضایی جمعیت در جنوب غربی دریای خزر

رشد و آینده نگری (پیش بینی) جمعیت

در این پژوهش با بهره گیری از روش ریاضی ضمن محاسبه رشد جمعیت (کوبی و دیگران، ۲۰۰۴، ۱۱۶) در فاصله سالهای ۱۳۸۰ - ۱۳۴۵ به پیش بینی و آینده نگری جمعیت به تفکیک نقاط شهری و روستایی در سطح کل

ناحیه و شهرستانهای تابعه در سال ۱۴۰۰ پرداخته شده است. بر اساس جدول ۵ بیشترین میزان رشد جمعیت در ناحیه جنوب غربی دریای خزر مربوط به نقاط شهری در سال ۱۳۶۵ با ۸/۳ درصد و کمترین میزان رشد در سال ۱۳۷۵ با ۰/۹ درصد مربوط به نقاط روستایی ناحیه است. بوده است. همچنین بعد از سال ۱۳۶۵ میزان رشد جمعیت در مناطق شهری و روستایی همه شهرستانها تقلیل یافته است. هر چند الگوی حاکم یعنی بالا بودن رشد جمعیت شهری در مقایسه با نقاط روستایی همچنان مشهود است. کم بودن فاصله مدت زمان دو برابر شدن جمعیت نقاط شهری در مقایسه نقاط روستایی در ناحیه و کلیه شهرستانها این مطلب را تأیید می کند. جهت پیش بینی جمعیت ناحیه مطالعه شده، دو فرض رشد جمعیت در فاصله سالهای ۵۵ - ۱۳۴۵ و ۷۵ - ۱۳۶۵ به ترتیب با رشد متوسط و کم (پائین) در فاصله زمانی ده ساله اقدام شده است. ضمن برآورد تعداد جمعیت برای سال ۱۴۰۰ با دو فرض فوق، میانگین تعداد جمعیت نیز محاسبه شده است بر این اساس تعداد جمعیت ناحیه مطالعه شده در سال ۱۴۰۰ به ۵۰۱۰۰۰ نفر خواهد رسید که ۳۹/۸ درصد (۱۹۹۴۲۹ نفر)، جمعیت شهرها و ۶۰/۲ درصد (۳۰۱۵۷۲ نفر) جمعیت روستاها و مناطق عشایری خواهد بود. تعداد جمعیت شهرستانهای آستارا، تالش، رضوانشهر و ماسال در سال ۱۴۰۰ به ترتیب به ۱۰۶۰۳۳، ۲۳۸۳۴۸، ۹۲۲۸۶، ۶۴۳۳۳ نفر افزایش خواهد یافت (جدول ۶).

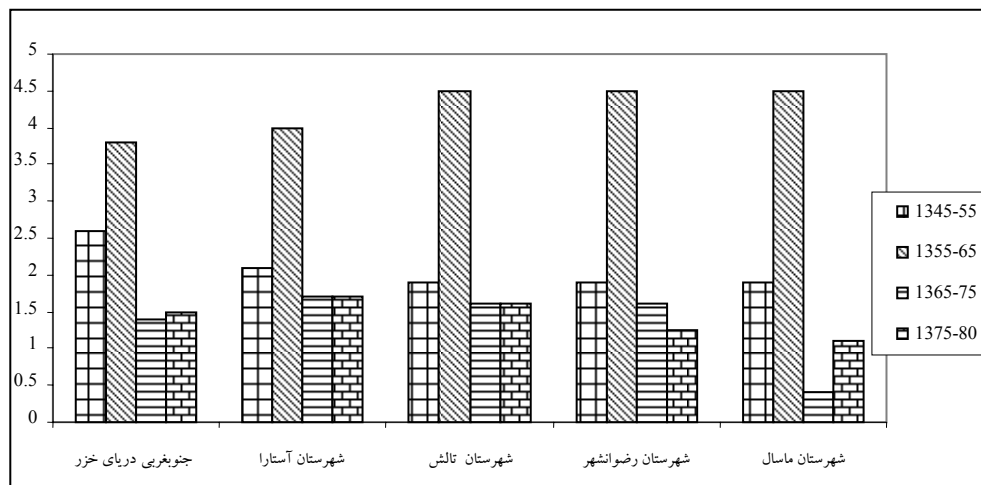
جدول ۵: رشد و مدت زمان لازم برای دو برابر شدن جمعیت در جنوب غربی دریای خزر بر حسب مناطق شهری و روستایی در

شهرستانها: ۱۳۴۵ - ۱۳۸۰

شرح	مناطق	۱۳۴۵			۱۳۵۵			۱۳۶۵			۱۳۷۵			۱۳۸۰		
		نوع	مناطق شهری	مناطق روستایی	نوع	مناطق شهری	مناطق روستایی	نوع	مناطق شهری	مناطق روستایی	نوع	مناطق شهری	مناطق روستایی	نوع	مناطق شهری	مناطق روستایی
جنوب غربی دریای خزر	نرخ رشد جمعیت (درصد)	-	-	-	۲/۶	۷/۲	۱/۹	۳/۸	۸/۳	۲/۷	۱/۴	۲/۸	۰/۹	۲/۸۳	۰/۹۳	
	مدت زمان لازم برای دو برابر شدن جمعیت	-	-	-	۲۷	۱۰	۳۷	۱۸	۸	۲۶	۵۰	۲۵	۷۸	۲۵	۷۵	
شهرستان آستارا	نرخ رشد جمعیت (درصد)	-	-	-	۱/۲	۳/۰	۱/۶	۴/۰	۵/۶	۲/۶	۱/۷	۲/۴	۱/۲	۲/۳۵	۱/۱۵	
	مدت زمان لازم برای دو برابر شدن جمعیت	-	-	-	۳۳	۲۳	۴۴	۱۸	۱۳	۲۷	۴۱	۲۹	۵۸	۳۰	۶۱	
شهرستان تالش	نرخ رشد جمعیت (درصد)	-	-	-	۱/۹	۱۲/۳	۱/۰	۴/۵	۱۰/۰	۳/۴	۱/۶	۳/۴	۱/۲	۳/۳۵	۱/۱۳	
	مدت زمان لازم برای دو برابر شدن جمعیت	-	-	-	۳۷	۶	۷۰	۱۶	۷	۲۱	۴۴	۲۱	۵۸	۲۱	۶۲	
شهرستان رضوانشهر	نرخ رشد جمعیت (درصد)	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱/۶	۳/۲	۱/۱	۳/۲	۰/۵۳	
	مدت زمان لازم برای دو برابر شدن جمعیت	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۴۴	۲۲	۶۴	۲۲	۱۳۲	
شهرستان ماسال	نرخ رشد جمعیت (درصد)	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۰/۴	۲/۲	۰/۴۲	۲/۲	۰/۵	
	مدت زمان لازم برای دو برابر شدن جمعیت	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱۷۵	۳۲	-	۳۲	۱۴۰	

مآخذ: استخراج و محاسبه از نتایج سرشماری های عمومی نفوس و مسکن سالهای ۷۵ - ۱۳۴۵، مرکز آمار ایران و سیمای اقتصادی، اجتماعی شهرستانهای آستارا،

تالش، رضوانشهر و ماسال ۱۳۷۷، سازمان برنامه و بودجه استان گیلان و آمارنامه استان گیلان ۱۳۸۰.



میزان رشد جمعیت در جنوب‌غربی دریای خزر بر حسب شهرستان: ۱۳۴۵-۸۰

الگوی توزیع فضایی جمعیت جنوب‌غربی دریای خزر در سال ۱۴۰۰ ه. ش

با توجه به اینکه پیش‌بینی جمعیت شهری ناحیه در سال ۱۴۰۰ با فرض اینکه هیچ نقطه جدید شهری ایجاد نشود شده است در سال ۱۴۰۰ درصد جمعیت شهری و روستایی در کل ناحیه و تمامی شهرستانهای تابعه در مقایسه با سال ۱۳۸۰ بر هم خواهد خورد به طوری که در کل ناحیه حدود ۱۰ درصد از جمعیت روستایی کاسته و بر جمعیت شهری اضافه خواهد شد. برای شهرستانهای ناحیه نیز بین ۸ تا ۱۱ درصد تغییر به نفع شهرها صورت خواهد گرفت در نتیجه این تغییرات الگوی سکونت‌گزینی تنها در شهرستان آستارا به شهری تغییر خواهد یافت ولی در کل جنوب غربی دریای خزر و شهرستانهای تالش، رضوانشهر و ماسال علیرغم افزایش ۱۰ تا ۱۱ درصدی سهم جمعیت شهری الگوی سکونتی روستایی خواهد بود.

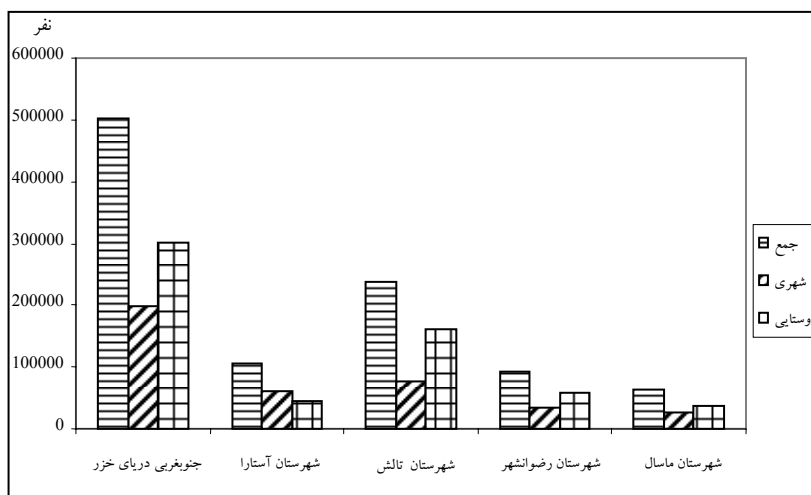
تغییر در تقسیم‌های اداری ناحیه و شهرستانهای تابعه در ۱۶ سال آینده از یک طرف و تبدیل برخی نقاط روستایی نظیر؛ اسالم (ناورود - خلیفه آباد - گیلانده و ناوپائین)، لیسار، حویق و چوبردر شهرستان تالش، لوندویل در شهرستان آستارا، اردجان و پونل در شهرستان رضوانشهر و بازار جمعه (شاندرمن) در شهرستان ماسال به نقطه شهری از طرف دیگر تعداد و درصد جمعیت شهری ناحیه و شهرستانهای تابعه افزایش خواهد یافت و در مقابل از تعداد و درصد جمعیت روستایی و عشایری کاسته خواهد شد.

براین اساس در سال ۱۴۰۰ ه. ش و با لحاظ تغییرات فوق و ادامه روند کنونی و نیز امکان تاسیس شهرستان جدید با نام کرگانرود در بخش شمال شهرستان تالش جمعیت شهری و روستایی - عشایری ناحیه تقریباً برابر خواهد بود و الگوی موجود غالب روستایی - عشایری به الگوی شهری و روستایی - عشایری تغییر خواهد یافت. همچنین ضمن حفظ الگوی کلی ناحیه مطابق شکل ۵ بر فشردگی و تراکم جمعیت در سراسر ناحیه افزوده خواهد شد.

جدول ۶: پیش بینی تعداد جمعیت جنوب غربی دریای خزر بر حسب مناطق شهری و روستایی در سال ۱۴۰۰ ه.ش.

شهرستان ماسال			شهرستان رضوانشهر			شهرستان تالش			شهرستان آستارا			جنوبغربی دریای خزر			مناطق
روستایی	شهری	جمع	روستایی	شهری	جمع	روستایی	شهری	جمع	روستایی	شهری	جمع	روستایی	شهری	جمع	شرح
۳۰۸۷۰	۱۵۷۰۲	۴۶۵۷۲	۴۴۱۷۲	۱۵۸۹۲	۶۰۰۶۴	۱۲۲۱۴۴	۳۳۶۶۰	۱۵۵۷۸۴	۳۲۵۸۸	۳۰۶۶۶	۶۳۲۵۴	۲۲۹۷۷۴	۹۵۹۰۰	۳۲۵۶۷۴	تعداد جمعیت در سال ۱۳۷۵
۱/۰	* ۲/۲	۱/۴۴	۱/۰	* ۳/۲	۱/۷	۱/۰	* ۳/۴	۱/۶۴	۱/۶	۳/۰	۲/۳۳	۱/۰۹	۳/۰۶	۱/۷۷	رشد جمعیت (فرض اول ۱۳۴۵-۵۵)
۰/۵	۲/۲	۱/۱۵	۱/۱	۳/۲	۱/۷۶	۱/۲	۳/۴	۱/۸۸	۱/۲	۲/۴	۱/۸۲	۱/۰۹	۲/۸۸	۱/۸۰	فرض دوم ۱۳۶۵-۷۵
۳۹۵۸۹	۲۷۰۵۴	۶۶۶۴۳	۵۶۶۴۸	۳۴۹۲۸	۹۱۵۷۶	۱۵۶۶۴۱	۷۷۶۰۱	۲۳۴۲۴۲	۴۸۴۶۲	۶۴۲۰۸	۱۱۲۶۷۰	۳۰۱۳۴۰	۲۰۳۷۹۱	۵۰۵۱۳۱	برآورد جمعیت در سال ۱۴۰۰ (فرض اول)
۳۴۹۶۹	۲۷۰۵۴	۶۲۰۲۳	۵۸۰۶۷	۳۴۹۲۸	۹۲۹۹۵	۱۶۴۵۸۳	۷۷۶۰۱	۲۴۲۱۸۴	۴۳۹۱۱	۵۵۴۸۳	۹۹۳۹۴	۳۰۱۵۳۰	۱۹۵۰۶۶	۴۹۶۵۹۶	فرض دوم
۳۷۷۷۹	۲۷۰۵۴	۶۴۳۳۳	۵۷۳۵۸	۳۴۹۲۸	۹۲۲۸۶	۱۶۰۷۴۷	۷۷۶۰۱	۲۳۸۳۴۸	۴۶۱۸۷	۵۹۸۴۶	۱۰۶۰۳۳	۳۰۱۵۷۱	۱۹۹۴۲۹	۵۰۱۰۰۰	میانگین برآورد تعداد جمعیت در سال ۱۴۰۰

* رشد جمعیت شهری به دلیل تبدیل برخی نقاط روستایی در مقطع مذکور به نقاط شهری واقعی به نظر نمی رسد و به همین خاطر رشد جمعیت برای نقاط شهری شهرستانهای مذکور بر اساس فرض دوم منظور شده است.



شکل ۷: پیش بینی تعداد جمعیت جنوبغربی دریای خزر بر حسب شهرستان در سال ۱۳۴۰ ه.ش

نتیجه گیری

با توجه به مطالبی که در سطرهای قبل به آنها اشاره شد، الگوی توزیع فضایی جمعیت در جنوب غربی دریای خزر (غرب گیلان) در وضع موجود و افق زمانی ۱۴۰۰ ه.ش. به شرح ذیل است:

- انطباق شکل توپوگرافی، شیب اراضی و توزیع فضایی جمعیت بیانگر این مطالب است که از شرق به غرب بترتیب الگوی زیست روستایی - شهری و روستایی - عشایری است.

- در قسمت ساحلی - جلگه ای ناحیه به جهت فراهم بودن زمینه جمعیت پذیری و تثبیت جمعیت، الگوی روستایی - شهری متراکم حاکم است.

- در قسمت کوهپایه ای الگوی روستایی - عشایری با تراکم کم و در قسمت کوهپایه ای - کوهستانی الگوی روستایی و جمعیت موسمی و بویژه عشایری پراکنده حاکم است.

- با توجه به روند سکونت گزینی در کشور که گرایش به شهرنشینی و زندگی در شهر افزایش یافته و در قسمت ساحلی - جلگه ای ناحیه مطالعه شده نیز فشردگی سکونتگاههای روستایی بسیار زیاد است، تعداد قابل توجهی از نقاط روستایی نزدیک به هم و با موقعیت ارتباطی در سراسر ناحیه تبدیل به نقطه شهری خواهند شد و سهم جمعیت شهری ناحیه را به اندازه جمعیت روستایی افزایش خواهد داد، به طوری که ضمن افزایش تراکم جمعیت در قسمت ساحلی - جلگه ای میزان تراکم در قسمت کوهپایه ای - کوهستانی نیز اضافه خواهد شد.

- با لحاظ قابلیتها و جاذبه های گردشگری قسمت کوهپایه ای و کوهستانی ناحیه بویژه در فصل گرم سال و توجه به بیش از پیش به گسترش گردشگری با وجود ارتباط عمیق ساحل - جلگه نشینان با کوهپایه - کوهستان از گذشته تا کنون الگوی فشردگی و تراکم جمعیت در فصول گرم و سرد سال متفاوت خواهد بود. که در صورت سرمایه گذاری و برنامه ریزی مناسب می توان تا حدود زیادی در جمعیت پذیری تثبیت آن اقدام کرد.

منابع:

- ۱ - بازن مارسل - (۱۳۶۷)؛ طالش منطقه ای قومی در شمال ایران - ترجمه مظفر امین فرشچیان - جلد دوم - انتشارات مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی - مشهد.
- ۲ - جوان جعفر - (۱۳۸۰)؛ جغرافیای جمعیت ایران - انتشارات جهاد دانشگاهی - مشهد .
- ۳ - سازمان برنامه و بودجه - (۱۳۷۷)؛ سیمای اقتصادی - اجتماعی شهرستان آستارا - سازمان برنامه و بودجه استان گیلان.
- ۴ - سازمان برنامه و بودجه - (۱۳۷۷)؛ سیمای اقتصادی - اجتماعی شهرستان تالش - سازمان برنامه و بودجه استان گیلان.
- ۵ - سازمان برنامه و بودجه - (۱۳۷۷)؛ سیمای اقتصادی - اجتماعی شهرستان رضوانشهر - سازمان برنامه و بودجه استان گیلان.

- ۶ - سازمان برنامه و بودجه - (۱۳۷۷)؛ سیمای اقتصادی - اجتماعی شهرستان ماسال - سازمان برنامه و بودجه استان گیلان.
- ۷ - سازمان برنامه و بودجه - (۱۳۷۸)؛ مختصات جغرافیایی استان گیلان بر اساس آخرین تقسیمهای سیاسی ۱۳۷۷ - سازمان برنامه و بودجه استان گیلان.
- ۸ - سازمان مدیریت و برنامه ریزی - (۱۳۸۳) - سالنامه آماری استان گیلان - ۱۳۸۲ - سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان گیلان.
- ۹- فرید یدآ... - (۱۳۵۳)؛ جغرافیای جمعیت - انتشارات دانشگاه تبریز (آذرآبادگان) - چاپ دوم.
- ۱۰ - مرکز آمار ایران - (۱۳۶۸)؛ جمعیت عشایری دهستانها - سرشماری اجتماعی - اقتصادی عشایر کوچ کننده ۱۳۶۶.
- ۱۱ - مرکز آمار ایران - (۱۳۶۸) - جمعیت عشایری دهستانها - سرشماری اجتماعی - اقتصادی عشایر کوچ کننده ۱۳۷۷.
- ۱۲ - مرکز آمار ایران - (۱۳۴۶)؛ نتایج تفصیلی شهرستان های آستارا و تالش - سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۴۵.
- ۱۳ - مرکز آمار ایران - (۱۳۵۶)؛ نتایج تفصیلی شهرستان های آستارا و تالش - سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۵۵.
- ۱۴ - مرکز آمار ایران - (۱۳۶۶)؛ نتایج تفصیلی شهرستان های آستارا و تالش - سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۶۵.
- ۱۵ - مرکز آمار ایران - (۱۳۷۶)؛ نتایج تفصیلی شهرستان های آستارا و تالش - سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵.
- ۱۶ - مولائی هشجین نصراله - (۱۳۷۶)؛ بررسی جغرافیایی روند تحولات جمعیت در غرب گیلان با تاکید بر نقش سیاستهای جمعیتی در آن، (مطالعه موردی شهرستانهای آستارا و تالش) - طرح پژوهشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت - گروه جغرافیا.
- ۱۷ - مولائی هشجین نصراله - (۱۳۷۸)؛ بررسی نظام عملکرد دامداری سنتی در جوامع نیمه کوچ نشین غرب گیلان به منظور امکان سنجی تثبیت جمعیت و تحول شیوه معیشت دامداری سنتی (مطالعه موردی: بخش اسالم - شهرستان تالش) طرح پژوهشی - دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت.
- ۱۸ - مولائی هشجین نصراله - (۱۳۷۹)؛ بررسی جغرافیایی روند تحولات جمعیت در غرب گیلان - فصلنامه علمی - پژوهشی جمعیت - سازمان ثبت احوال کشور - ۳۳ و ۳۴.
- ۱۹ - مولائی هشجین نصراله - (۱۳۸۱)؛ مبانی کوچندگی، پراکندگی جغرافیایی و اشکال کوچ نشینی در گیلان (مطالعه موردی: بخش اسالم تالش) - مجله پژوهشهای جغرافیایی - دانشگاه تهران، شماره ۴۳، ۵۵ - ۶۹.
- ۲۰ - مهدوی مسعود - (۱۳۷۷)؛ اصول و مبانی جغرافیای جمعیت - انتشارات قومس، تهران.

۲۱- نظری علی اصغر؛ (۱۳۷۲)؛ جغرافیای جمعیت ایران (رشته جغرافیا)؛ انتشارات دانشگاه پیام نور.

22- Fellman, j, Getis, A, Getis, J - 1990 - Human Geography (land scapes of human activities)(2 nd ,ed)- Wm. c. Brown publishers.

23- Kuby M. Harner, J and Gober, P - 2004 - Human Geography in action - John Wiley and Sons, Inc.